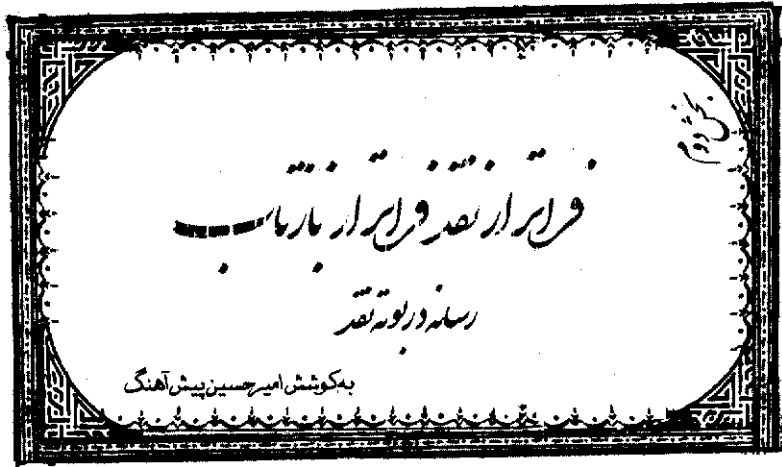


پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

www.

پروفیسر شگاہ
علوم انسانی





در شماره پیش گفت‌وگوی نقادانه تعدادی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق (ع) را با مهندس سید عزت‌الله ضرغامی خواندید. بخشی از مباحث مطرح شده در آن جلسه درباره موسیقی و مسائل حاشیه‌ای آن بود که خلاصه آن را در این مجال می‌خوانید.

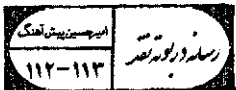
و اما بعد...

یکی از حضار: من یک بند از همین کتاب برنامه مصوب را که آقای مهندس گفتند می‌خوانم: بخش موسیقی بسیار محزون و یا بسیار تند که در کودک ایجاد حالت رقص کند، ممنوع است.

سؤال برخی از دوستان این است که چرا فضای برخی برنامه‌های کودک مثل *فیتله جمعه تعطیله* یا برنامه *عمو پورنگ* این گونه شده است که بیشتر رقص یاد بچه‌ها می‌دهند تا نکات آموزنده و به نوعی قبح رقص را از بین برده‌اند. چرا با مصادیق علنی این طور برخورد می‌شود؟

با توجه به این که نیاز اصلی جامعه کودک امروز آموزش صحیح است و می‌دانیم که وظیفه ما ابلاغ تعالیم اسلامی است و هم‌چنین باید استعدادهای فکری و هنری کودکان و نوجوانان را نیز پرورش دهیم؛ رویکرد سازمان نسبت به برنامه‌های کودک و نوجوان چیست؟

مهندس ضرغامی: در حوزه کودک باید توجه داشت که برنامه‌های کودک شاد هستند. اتفاقاً برنامه‌هایی مانند *فیتله* از جمله برنامه‌های آموزشی هستند که بسیار سهم آموزش بالا است؛ یعنی با یک حرکات ریتمیک بهترین آموزش‌هایی که باید به بچه آموزش داده شود آن‌جا به نحو مطلوب انجام می‌گیرد. کسی آن‌جا رقص یاد نمی‌گیرد ولی ممکن است کودکی هم با آن آهنگ رقص بگیرد که آن یک کودک ملاک نمی‌شود. حالا من برای شما موسیقی‌هایی می‌فرستم با بچه گوش



کند به من بگویند شرعی است یا غیر شرعی. به هر حال بحث موسیقی کودک زیر مجموعه بحث موسیقی است.

یکی از حضار: نه فقط صدا و سیما بلکه همه حوزه‌های فرهنگی مانند سازمان تبلیغات و وزارت ارشاد و... یک مشکل عمده و بزرگ در حوزه موسیقی دارند. به قول مقام معظم رهبری، مسئله موسیقی و فقه موسیقی تبدیل به مقوله مبهمی شده که به بی‌ضابطگی موسیقی در رادیو و تلویزیون نیز دامن می‌زند. در بحث‌هایی که من با وزارت ارشاد داشتم نهایتاً آن‌ها هم گفته‌اند که در این مقوله فهم مبهمی وجود دارد. مشکل اصلی ما این است که بزرگان عرصه موسیقی و اساتید این رشته به شدت از صدا و سیما دور هستند. این جدایی در بین فقها و اهالی موسیقی نیز بسیار عمیق‌تر است. متأسفانه بسیاری از دینداران، اهالی این رشته را نماینده دشمن می‌دانند که آمده‌اند در خاکریز خودی و می‌خواهند کار کنند. یکی از اساتید دانشکده هنر می‌گفت ما را به عنوان یک چهره فاسق و فاجر می‌شناسند مگر این که خلافش ثابت شود ولی این اتفاق در هنرهای دیگر کم‌تر می‌افتد. این فضا باید شکسته شود.

مهندس ضرغامی: بله البته در این زمینه راست می‌گویید. متأسفانه این نگاه هنوز وجود دارد.

یکی از حضار: این فاصله را باید صدا و سیما از میان بردارد. از یک سو فقها و کارشناسان دینی را دعوت کند و از سوی دیگر اساتید و کارشناسان موسیقی را و آن‌ها را در پای یک میز بنشانند. این کار اولاً موجب کم شدن فاصله بین فقها و موسیقیدان‌ها شده و در ثانی مشکل ابهام در موسیقی و مسائل فقهی آن را حل خواهد کرد. فقط با گفتن موسیقی غنا حرام است که چیزی درست نمی‌شود. این که مقام معظم رهبری می‌گویند موسیقی‌ای که از جمهوری اسلامی پخش می‌شود، حلال است، به این دلیل است که به شما اعتماد دارند و فکر می‌کنند شما تحقیق و بررسی می‌کنید و موسیقی‌ای که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی بیرون می‌آید، قطعاً مشکل دیگری ندارد.

مهندس ضرغامی: ما تقریباً ۸ ماه بحثی بسیار گسترده را در این زمینه شروع کردیم و از تمام صاحب‌نظران و اساتید عرصه موسیقی دعوت به هم‌فکری کردیم. اتفاقاً ارتباطات بسیار خوبی هم برقرار شد و الان اساتید این هنر ارتباط خوبی با سازمان دارند. از اداره کل موسیقی ارشاد نیز دوستانی آمدند. بحث‌هایی شد و نتایج این مباحث را هم نزد مقام معظم رهبری برده و عرضه کردیم.

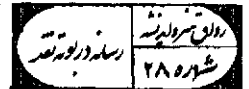
یکی از حضار: من سخن مقام معظم رهبری را می‌خوانم:

عدم‌های هنر را تجملاتی و زعفران روی پلو به حساب می‌آورند، ولی بنده این عقیده را ندارم،

من هنر را راه واقعی و جدی و اساسی می‌دانم.

(۸۱/۹/۲۴ در مجلس شورای انقلاب فرهنگی)

ولی حتی شما در صدا و سیما موسیقی‌ای را گذاشته‌اید برای پرکردن خلأهای بین برنامه‌ای؛ برای نمونه از ساعت ۲ تا ۲:۳۰ اخبار است، ۲:۳۵ نیز فیلم شروع می‌شود؛ حالا این ۵ دقیقه را با موسیقی پر



می‌کنید و دقت هم نمی‌کنید که این موسیقی ۱۰ دقیقه زمان پخش می‌خواهد نه ۵ دقیقه. بعد سر ۵ دقیقه موسیقی قطع می‌شود.

به جای موسیقی‌های ایرانی گاهی موسیقی‌هایی پخش می‌شود که اهانت به جمهوری اسلامی است و صدای گروهی را نیز در می‌آورد و گاهی هم که آثار استادان متعهد موسیقی ایران پخش می‌شود آن قدر خلاپرکن تلویزیونی است که بالاخره صدای آن استاد موسیقی و صاحب اثر نیز بلند می‌شود. صدا و سیما اصلاً نگاه عالمانه به این قضیه ندارد. آقای ضرغامی به خاطر همین است که این طور می‌شود. اگر من در این زمان این شبکه را انتخاب کردم که موسیقی گوش کنم، با جان و دل می‌خواهم گوش کنم، نمی‌شود وسطش آگاهی بازرگانی پخش کنیم.

نکته دیگر این که موسیقی در هر زمان خاصی و شرایط خاصی تأثیر به خصوصی بر روان انسان می‌گذارد. مثلاً در هند برای ساعت ۳ بعد از نیمه‌شب موسیقی دارند، برای ساعت ۹ صبح و یا بعدازظهرشان نیز موسیقی دارند و هر موسیقی در جایگاه خودش نواخته و پخش می‌شود. در رسانه ما هم باید همین اتفاق بیفتد و جایگاه موسیقی در رسانه معین و تعریف شود.

یک معترض: ببخشید، ببخشید، ما در دانشگاه امام صادق (ع) با این همه زحمت و مشقت تشکیل جلسه می‌دهیم که از موسیقی دفاع کنیم؟ کسی که در این جلسه صحبت می‌کند باید توجه کند که نماینده دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) است.

یکی از حضار: اشتباه نکنید، من که نیمه‌دهم موسیقی را تبلیغ کنم. موسیقی‌ای که من از آن حرف می‌زنم موسیقی فاخر است که مورد تأیید مقام معظم رهبری است. می‌خواهم بگویم که موسیقی فاخر جایگاهی دارد که باید در رسانه شناخته شود و ملزومات آن حفظ گردد. مقام معظم رهبری به شدت روی موسیقی فاخر تأکید دارند. موسیقی‌ای که صدای عدالت باشد و به قول حضرت امام جنگ فقر و غنا را برساند.

مهندس ضرغامی: البته فرمایشات آقای چوپانی منطقی است ولی این‌جا گیری در کار نیست. اتفاقاً موسیقی از آن مسائل بسیار پیچیده با ابعاد بسیار زیاد است. اصلاً به این راحتی نمی‌توان قضاوت کرد. اتفاقاً درباره این مسئله فقها جمع می‌شوند، بحث می‌کنند و ما از جمع‌بندی آن‌ها بی‌خبر نیستیم. ولی کار به این سادگی هم نیست. خوشبختانه آقا زاده آقای مهدوی کنی کارهایی درباره فقه موسیقی انجام دادند. در واقع پایان‌نامه ایشان در این موضوع است و تحلیل بسیار عالی‌ای از فقه موسیقی ارائه داده‌اند. ایشان وقتی در شورای سیاست‌گذاری سازمان تشریف آوردند انصافاً یکی از بحث‌های بسیار دقیق را در این رابطه مطرح کرده بودند که در شأن دانشگاه امام صادق است. ایشان ابتدا بسیاری از ابعاد فقهی مسئله را مورد توجه قرار دادند و سپس نظریه خود را مطرح ساختند.

اتفاقاً من چندی پیش آخرین جمع‌بندی‌ها درباره حلیت و حرمت موسیقی و مرز این دو را خدمت رهبری تقدیم کردم و از رهنمودهای ایشان که اتفاقاً به مطالب آقا سعید مهدوی کنی استناد کرده بودند، استفاده کردیم.

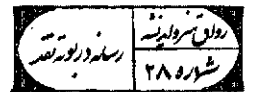
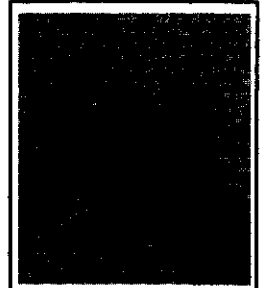
امروز مقوله موسیقی و کاربرد آن فرق کرده است. از موسیقی پیش از اعلام در فرودگاهها تا نوحه‌ای که خوانده می‌شود، همه به نوعی موسیقی به حساب می‌آیند. در بسیاری از کارهای سطح بالای معارفی، موسیقی در بطن برنامه جاری است و اصلاً اگر موسیقی نباشد مخاطب برنامه را کنار می‌گذارد.

برای شناخت موسیقی حلال و تفکیک آن از موسیقی حرام موارد بسیاری را باید مد نظر قرار دهیم. پیش از همه باید به محتوای آن توجه داشت. در فرمایش رهبری محتوا بسیار مهم است. این که چه محتوایی با این موسیقی بیان می‌شود. تصویری هم که موسیقی را همراهی می‌کند بسیار مهم است و می‌تواند معنای یک موسیقی را تغییر دهد. علاوه بر این باید موسیقی گروه‌های خاصی مثل شیطان پرست‌ها را نیز شناسایی کنیم؛ زیرا نمی‌توانیم پخش کنیم. موسیقی قبل انقلاب را نیز که یادآور بعضی چیزهاست نباید پخش کنیم. وقتی ما می‌خواهیم ببینیم کدام موسیقی حلال است یا کدام یک حرام، این باید‌ها و نباید‌ها را داریم. ما تمام این فاکتورها را درآوریم. اگر بخواهیم بگوییم موسیقی حلال است یا حرام، همه این‌ها را باید رعایت کنیم. خیلی وقت‌ها ما آقایان را صدا می‌کنیم که بگو این موسیقی که گذاشتیم حلال است یا حرام. یک مقدار نگاه می‌کند و بعد می‌گوید نمی‌دانم. مگر می‌توانیم مردم را معطل کنیم. امروز شکاف بین موسیقی رسمی و غیر رسمی وحشتناک است. و ما تا حد زیادی این حوزه را از دست داده‌ایم. این شکاف بسیار زیاد و به همان اندازه نگران‌کننده است. در میان شبکه‌های ماهواره‌ای بیشترین مخاطب را شبکه موسیقی دارد. باید کار کنیم و این مسئله نیاز به بحث عالمانه دارد. من آماده‌ام یک جلسه ویژه بحث موسیقی با هم داشته باشیم و در آن جلسه نخبه‌های‌تان که در این عرصه کار کرده‌اند، بیایند و دیدگاه‌ها و راه‌حلهای‌شان را بگویند. ما برای حل مسئله دو راه‌حل داریم ولی اگر کسی راه سومی به ذهنش رسید بگوید، من استقبال می‌کنم.

راه اول مراجعه به عرف است. همان راه که آقا سعید مهدوی کنی پیشنهاد کرده است. ببینیم عرف امروز درباره موسیقی چه می‌گوید و نسبت به فلان موسیقی چه واکنشی نشان می‌دهد یا چه حس و حالی به آن‌ها دست می‌دهد.

البته آقای مهدوی کنی راهکار بسیار مناسبی برای مراجعه به عرف پیشنهاد کردند که فرمول بسیار خوبی است؛ این که چه جوری و با چه متدهایی و با چه جامعیت‌هایی و بالاخره چه چیزهایی می‌توانند عرف ما را تشکیل دهند. ولی راه دوم این است که به عرف مراجعه نکنیم بلکه یک گروه شاهد مرکب از موسیقی‌شناسان متعهد، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، روحانیان و صاحب‌نظران در مسائل دینی که به موسیقی نیز آشنا باشند، نظر نهایی را درباره موسیقی‌ها اعلام کنند.

الان ۷، ۸ نفری داریم که آن‌ها را برای چنین جلسه کارشناسی‌ای دعوت کرده‌ایم. این کارشناسان در یک گروه به بررسی موسیقی‌ای که می‌خواهد پخش شود، می‌نشینند و متناسب با تصویر، زمان و شبکه می‌گویند که آن موسیقی شرعی است یا نه. این هم یک راه حل است. آیا باید موسیقی را در سطل زباله بیندازیم و همیشه معدومش کنیم یا نگاهی داریم تا در جای خاص خودش استفاده شود.



برای نمونه بعد از برنده شدن تیم ملی در یک مسابقه فوتبال که همه هیجان‌زده هستند، موسیقی شادی متناسب با آن فضای شاد ورزشی بگذاریم. هر کس بگوید موسیقی تک‌نوازی سنتی آقای جلیل شهنواز را بگذارید معلوم می‌شود به شرایط موسیقی توجه ندارد. آن‌جا که فضا شاد است، موسیقی شاد و آن‌جا که غزا است و فضا محزون است، موسیقی نیز فرق می‌کند. البته در مواردی نیز ممکن است اشتباهاتی شود. من آماده‌ام در این حوزه نظرات و پیشنهادهای شما را بشنوم.

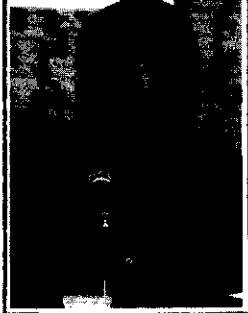
یکی از حضار: واقعا فضای ذهنی شما با فضای ذهنی ما و با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم متفاوت است. آیا شما تا به حال نظرسنجی‌های تان را به مساجد برده‌اید. یک بار نظرسنجی‌های تان را به دم در مساجد بکشانید، آن وقت متوجه می‌شوید که فضای ذهنی شما چه قدر با آن‌ها متفاوت است.

مهندس ضرغامی: موافقم. پیشنهاد خوبی است.

یکی از حضار: من برای شما ارزش قائلم ولی می‌بینم از آن میانی که در اسلام وجود دارد، فاصله گرفته‌اید. این که استدلال می‌کنید اگر ما پخش نکنیم، می‌روند جای دیگر می‌بینند، باشد بروند و ببینند، شما پخش نکنید. شما می‌گویید چه حرام است و چه حلال. حضرت آقا صراحتا اعلام کردند سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران بر توسعه و ترویج موسیقی نیست. شما شبکه پیام را روشن کنید، استفاده حداکثری از موسیقی شده. مگر وقتی ما مفهوم موسیقی برای مان روشن نشده، مجبوریم حجم کثیر موسیقی را مانند پیام‌های بازرگانی وارد کنیم. امروز با این روش‌ها اقتصاد و فرهنگ و سیاست کشور را به هم ریخته‌ایم چون هنوز یاد نگرفته‌ایم چگونه باید از این‌ها در جای خودشان استفاده کنیم. این بحث، بحث روح اسلامی است.

مهندس ضرغامی: حضرت امام جمله‌ای دارند که می‌گویند: این موسیقی اگر از شبکه‌ای غیر از شبکه جمهوری اسلامی پخش شود، حرام است و اگر از رادیو جمهوری اسلامی پخش شود، حلال است. این عین فتوای حضرت امام است که بارها شما دیده‌اید.

با موسیقی از دو منظر می‌توان برخورد داشت. یکی ترویج موسیقی است که شما هم گفتید نباید بشود. ما اگر بخواهیم ترویج موسیقی داشته باشیم، باید درباره موسیقی حرف بزنیم. موسیقی هم یک رشته هنری است و می‌توان آن را به شیوه خودش آموزش داد. برای آموزش باید درباره آن بحث و بررسی گذاشت، مباحث تئوریک و دستگاه‌های آن را آموزش داد یا درباره آن بحث‌های چالشی ارائه داد. ما هیچ‌کدام از این‌ها را در صدا و سیما نداریم. ولی منظر دوم در استفاده از موسیقی است. وقتی پای استفاده به میان می‌آید آن گاه کم و زیادش بسته به آن برنامه استفاده‌کننده و شرایط آن دار. یک بحث البته درباره نفس موسیقی است. برای نمونه برای تحکیم و تثبیت وحدت ملی یک راه بهره‌مندی از قدرت موسیقی است که علاوه بر تهییج احساسات ملی و قومی می‌تواند از فرهنگ‌ها نمایندگی کند. برای این کار ما از موسیقی بومی و محلی اقوام مختلف ایرانی استفاده می‌کنیم. برای نمونه موسیقی لرستان یا کردستان یا آذربایجان یا ترکمنی پخش می‌کنیم. زمانی که یک موسیقی



شاد حماسی لرستان از تلویزیون پخش می‌شود، تصاویر لرستان را هم نشان می‌دهیم، موسیقی هم شاد است؛ با این وصف آیا این موسیقی در مردم لرستان اثر نمی‌گذارد که بگویند روح حماسی دارد در ما جاری می‌شود.

بچه‌های متدین امام صادق اگر بخواهند راه نشان دهند، راهش این نیست که موسیقی را قطع کنیم. بچه‌هایی این‌جا هستند حتی در اقلیت که درباره موسیقی حرف دارند. حتی یک نفر از شما اگر حرفی داشته باشد، این بحث جدی است. بنابراین بیایید راه‌حلهایی پیشنهاد کنید برای استفاده از موسیقی مثبت، عالی، تعالی‌دهنده روح و ترغیب‌کننده به سوی آرمان‌های نظام اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی